

مقاله پژوهشی

بررسی جایگاه و نقش محوری ایلات و عشایر ایران در تحولات سیاسی کشور (مطالعه موردی: نقش ایل سنجابی در پیشبرد راهبردهای سیاسی دولت موقت ملی در طی جنگ جهانی اول)

بهمن رضایی^۱، محمد مهدی میرزایی^۲ * سروش امیری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

چکیده: با ورود نیروهای متخاصم جنگ جهانی اول به خاک ایران، دولت مرکزی در صیانت از مرزها ناتوان شد؛ این زمان بخش زیادی از جمعیت ایران را ایلات و عشایر تشکیل می دادند که در قبال دادن مالیات در قلمرو خود، نسبتاً استقلال داشتند. فرض بر آن است که استقلال داخلی، توان نظامی بالای ایلات و عشایر و فقدان نظارت مرکزی، آنان را به واکنش در مقابل مهاجمین واداشته است. ایل سنجابی از ایلات کرد غرب ایران هستند که در جریان جنگ جهانی اول به حمایت از دولت موقت ملی نظام السلطنه و ملی گرایان همراه وی برخاستند و ضمن اعلام مخالفت با حضور و فعالیت سپاهیان دولت های انگلیس و روس با نیروهای آلمانی و عثمانی همراه شدند، بعد از غلبه سپاهیان روس و انگلیس بر منطقه غرب این ایل پناهگاه عناصر ملی دولت موقت شدند و به مخالفت با حضور و برنامه های نیروهای بریتانیا در غرب ایران ادامه دادند. در این نوشتار سعی شده است با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به بررسی جایگاه و نقش محوری ایلات و عشایر ایران در تحولات سیاسی کشور پرداخته شود؛ و به این سوال پرداخته شود که نقش ایل سنجابی در پیشبرد راهبردهای سیاسی دولت موقت ملی در طی جنگ جهانی اول چگونه بوده است؟ نتایج تایید کننده این است که راهبرد دولت موقت در قبال عملکرد دولت های متفقین تاکید بر اصل بی طرفی و نسبت به دولت های متحدین تاکید بر راهبرد استفاده از نیروی سوم و نسبت به هر دو کاملاً منفعلانه بوده است که به شکست انجامیده است.

واژگان اصلی: ایل سنجابی، جنگ جهانی اول، کرمانشاه، ایران، انگلیس، روسیه، عثمانی، دولت موقت ملی.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

bbahmanrezaee@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسوول).

mahdiazadmiraee@gmail.com

^۳ گروه روابط بین الملل دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. suroush.jnu@gmail.com

مقدمه

جنگ جهانی اول گرچه در اروپا شکل گرفت بخش بسیار مهمی از آن در شرق ادامه پیدا کرد. این واقعه زمانی رخ داد که بیشتر دول شرق ایران عثمانی و ... در حال ضعف و ناتوانی بسر میبردند و با همان شرایط خواه ناخواه درگیر شدند و قلمروشان عملاً به صحنه برخورد و سکوی رقابت دول متحد و متفق تبدیل شد. در ایران واحدهای نظامی چون ژاندارمری قزاقخانه (سپهر، ۱۳۳۶) نیز نمی توانستند - و به عبارت بهتر نمی خواستند مانع از ورود جنگ طلبان شوند. از طرفی حکومت مرکزی توان مقابله با مهاجمان را نداشت و در فضای خلاء تمرکز و فقدان نیروی نظامی در کشور آنان راحت تر توانستند اهداف خود را پیش ببرند و عملیات خود را انجام دهند کشیده شدن دامنه جنگ به کشورهای شرقی از جمله ایران باعث واکنشهای متعدد و متفاوتی در این کشورها شد. یک گروه عمده کشور، در حدود ۲۵ درصد جمعیت را دستجات ایلی و عشیره ای تشکیل می دادند (فوران، ۱۳۸۸) که مانند بسیاری از دیگر مردم ایران در جریان جنگ قرار گرفتند. در این شرایط تنها نیروی منسجم نظامی که برخوردهایی هرچند به صورت پراکنده در برابر قوای مهاجم داشتند ایلات و عشایر بودند که با اهداف گوناگون در سال های حضور متفقین و متحدین در برابر آنها ایستادگی کردند.

ایران به عنوان کشوری که در طول تاریخ در مرکز حوادثی از جمله جنگ قرار گرفته است، در دو سده اخیر که مرکز ثقل تحولات جهانی اروپا و مغرب زمین بود نیز تحت تاثیر قرار گرفت؛ از جمله این تحولات جنگ های جهانی است که اگرچه در اروپا و بین قدرت های اروپایی به وقوع پیوست، اما به سرتاسر گیتی و از جمله ایران نیز تسری یافت. هر چند که جنگ جهانی در اروپا آغاز شد و طرفین به دنبال منافع خود بودند؛ اما این جنگ - به رغم تلاش دولتمردان ایرانی برای مصون ماندن از جنگ - تاثیر خود را به بدترین شکل ممکن بر حکومت و جامعه ایران برجای گذاشت. سرزمین ایران چنان مورد تحرکات مخفی و حضور و اشغال متفقین و متحدین قرار گرفت؛ که گویی دیگر نیازی به حضور دولت ملی و یا مجلس و نهاد تصمیم گیری نخواهد بود. از جنوب و شرق بریتانیا، از غرب متحدین و از جمله عثمانی و ماموران آلمانی و از شمال نیز روس ها نفوذ و حضور پیدا کردند و شروع با یارکشی و فعالیت علیه رقیب (یکدیگر) نمودند. همزمان با رسیدن نیروهای روسیه تزاری به تهران، بحران در دولت ایران پدید آمد و برگزاری جلسات مجلس شورای ملی غیرممکن شد. گروهی از نمایندگان دوره سوم مجلس شورای ملی، از هر دو جناح اعتدالیون و دموکرات ها که مایل

به همکاری با دو نیروی انگلستان و روسیه نبودند، به دنبال نزدیک شدن به متحدین (عثمانی و آلمان)، تصمیم به مهاجرت از تهران و تشکیل دولت در مکانی دیگر گرفتند. این گروه که به نام مهاجرین یا میلیون نامیده می‌شدند، از تهران به قم رفتند و در آنجا کمیته دفاع ملی را تشکیل دادند. سپس از آنجا به اصفهان آمدند و از آنجا که امکان تشکیل دولت در این دو شهر فراهم نشد، از راه لرستان به سمت کرمانشاه حرکت کردند. کمیته ملی در بروجرد، نظام‌السلطنه مافی را که حاکم لرستان و خوزستان بود با خود همراه نمود و در نهایت دولت موقت را تشکیل داده‌اند که راهبردهای متفاوتی را در قبال متفقین و متحدین اتخاذ کرده‌اند ولی به دلایل مختلفی به شکست انجامید.

ایل سنجابی از ایلات کرد در نواحی غربی ایران بودند که در نوار مرزی بین ایران و عثمانی سکونت داشتند و در طی سال‌های جنگ جهانی، اول در حوادث غرب ایران نقش قابل توجهی ایفاء کردند در جریان این جنگ با توجه به نقض بیطرفی دولت ایران از سوی عثمانی، عبور نیروهای نظامی آن کشور از مرزهای غربی و شمال غربی ایران و در پی آن هجوم نیروهای روسی و انگلیسی به بهانه مقابله با نیروهای عثمانی، نواحی غرب کشور، به ویژه منطقه زندگی ایل سنجابی، عملاً صحنه زد و خورد و رقابت شدید بین این سه قدرت شد با توجه به ناتوانی حکومت مرکزی ایران در حفظ بی‌طرفی خود، حضور و وجود تعداد زیادی از ایلات کرد در غرب ایران و همچنین قدرت رزمی قابل توجه این ایلات، بر هر سه قدرت رقیب معلوم بود که فقط از طریق اتحاد با این ایلات می‌توانند در منطقه نفوذ کنند و هر کس بتواند با تعداد بیشتری از ایلات متحد شود ابتکار عمل در آن منطقه را در دست خواهد گرفت.

تا زمان حضور دولت موقت ملی به ریاست نظام‌السلطنه مافی در کرمانشاه و حضور مهاجران ملی در آنجا همه ایلات غرب بر اثر تمایلات و احساسات وطن‌دوستانه به آن پیوسته بودند، اما بعد از رانده شدن این دولت تعرض مقطعی و متناوب هر سه قدرت در این منطقه و لزوم داشتن پایگاه در منطقه از طریق اتحاد با این ایلات، رقابت شدید آنها را در جلب همکاری و اتحاد با سران ایلات غرب ایران در پی داشت؛ در نتیجه ایلات کرد منطقه، غرب به کانون مرکزی این رقابت سه جانبه مبدل شدند. ایل سنجابی نیز به عنوان یکی از این ایلات در جریان جنگ جهانی اول حامی منافع ملی و پناهگاه اعضای دولت موقت ملی و مهاجران ایران بودند که از آن پس در در معرض حملات نیروهای هر دو دولت روسیه و انگلستان قرار گرفتند اما با توجه به آنکه در پایان جنگ، انگلستان فاتح اصلی محسوب شد و بر همه نواحی غربی تسلط یافت، مطالعه رابطه بین آنها و سران ایل

سنجایی در طی جنگ جهانی اول اهمیت بیشتری دارد.

به رغم آنکه پژوهش های متعددی درباره سیاست انگلیس در میان ایلات غرب و جنوب غربی ایران و همچنین درباره ایل سنجایی و تاریخچه آن انجام شده است هنوز روابط و در واقع نوع واکنش آنها در قبال نقش ایل سنجایی در پیشبرد راهبردهای سیاسی دولت موقت ملی در طی جنگ جهانی اول بررسی و مطالعه نشده و رسالت مقاله حاضر پرداختن به این قضیه یا به عبارت بهتر ارائه پاسخی روشن به این پرسش است که چگونه ایل سنجایی مورد توجه انگلیسی ها قرار گرفت و سران این ایل در قبال سیاست نفوذ انگلستان در غرب ایران چه واکنشی نشان دادند؟

پیشینه تحقیق

در این پژوهش منابع این دوره شامل کتاب ها، خاطرات و سفرنامه ها مورد استفاده قرار گرفته است. در بررسی مسائل و پیامدهای جنگ جهانی اول از اسناد تاریخی نیز استفاده شده است. در این زمینه علاوه بر اسناد منتشر شده در کتاب های سند، همانند ایران در جنگ جهانی اول اسناد وزارت داخله که نویسنده آن کاوه بیات می باشد و اسناد جنگ جهانی اول در ایران از بهروز قطبی، تعدادی از اسناد موجود در سازمان اسناد، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و اسناد موجود در بایگانی وزرات امور خارجه مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این اسناد منتشر شده و یا اسناد در آرشیو، کتاب هایی نیز به چاپ رسیده اند. در مجموع منابع زیر را می توان به عنوان سوابق پژوهش بیان نمود:

- سعیدی نژاد (۱۳۸۹) در کتاب «کرمانشاه در جنگ بین الملل» در این موضوع چنین گفته است که اوضاع کرمانشاه در دوران جنگ خبر چگونه است. مولف در این کتاب، بسیاری از اسناد موجود در وزارت خارجه را مورد استفاده قرار داده است. در مورد جنگ جهانی اول خاطرات و گزارش های فراوانی نیز بر جای مانده است. که از جمله می توان کتاب ایران در جنگ بزرگ تالیف احمد علی سپهر (مورخ الدوله) را یکی از مهم ترین منابع این دوره دانست. مورخ الدوله به عنوان منشی اول سفارت آلمان در دوران جنگ جهانی اول مشاهداتش از وقایع دوران جنگ را ذکر کرده است حضور وی در جریان مذاکرات میان مقامات ایرانی و آلمانی اثرش را ارزشمند ساخته است.

- «نقش سیاست موازنه و نیروی سوم در تاریخ ایران» (عصر قاجاریه و رضا شاه)، نوشته دکتر علیرضا علی صوفی (۱۳۸۹) از انتشارات دانشگاه پیام نور است. در این نوشتار تلاش شده است تا جنبه های گوناگون به کارگیری دیپلماسی موازنه توسط دولت مردان مختلف ایران با تکیه بر منابع و مدارک و مستندات گوناگون مورد تجزیه و تحلیل نقادانه و مشکافانه قرار گیرد؛ در خلال

بحث‌هایی پیرامون جنبه‌های مختلف موازنه، از قبیل موازنه مثبت و یا منفی و گرایش به قدرت سوم جهت تعدیل نفوذ دو قدرت روس و انگلیس که با تلاش عباس میرزا در کشاندن پای فرانسه به عرصه دیپلماسی ایران، صورت مشخصی به خود گرفت، سعی شده تا سیاست خارجی ایران با استفاده از رخداد‌های تاریخی، آسیب‌شناسی شود و ضمن نقد و بررسی هر یک از گرایش‌های موازنه، رهنمودهای عملی‌تری در نظام دیپلماسی ایران طرح و ارائه گردد. در این پژوهش چند فرضیه مهم طرح و بررسی شده است. هدف از طرح این فرضیات آسیب‌شناسی تاریخی از سیاست خارجی ایران بر پایه شواهد و مدارک مختلف تاریخی است. تعدادی از این فرضیات عبارتند از: ۱. تضاد دولت‌های خارجی در ایران و به‌ویژه چالش‌های سیاسی و اقتصادی روسیه و انگلستان در این کشور تا حدود زیادی موجب حفظ استقلال ایران شده بود و به عکس توافق این قدرت‌ها که به‌طور محسوسی در قراردادهای دو جانبه از قبیل پیمان ۱۹۰۷ میلادی و قرارداد سری ۱۹۱۵ تجلی بارزی یافت، استقلال و تمامیت ارضی ایران را در معرض مخاطره قرار داد. ۲. به صحنه آوردن یک قدرت سوم از سوی دولت‌مردان ایران، تشریک مساعی روسیه و انگلستان را در خصوص ایران افزایش می‌داد و در نتیجه با کاهش تضادهای این دو دولت زیر موضوع مقابله با نفوذ قدرت جدید، سیاست خارجی ایران که عمدتاً به‌طور واکنشی به این قدرت‌های جدید روی آورده بود، با چالش‌ها و پیچیدگی‌های خاصی روبه‌رو می‌شد.

- سلطانی (۱۳۸۹) در کتاب «تاریخ مفصل کرمانشاهان» علاوه بر اسناد آرشیوی، اسناد برخی خاندان‌های معروف کرمانشاهی را در اثر خود آورده است. ارزش این کتاب علاوه بر اسناد، به استفاده مؤلف از خاطرات و دست‌نوشته‌های بزرگان کرمانشاهی در بیان وقایع باز می‌گردد. سلطانی با در اختیار داشتن نسخه‌های خطی و دست‌نوشته‌هایی افرادی چون: محمد طاهر سلطانی، درویش قلی کرندی، کلبعلی خان سرتیپ زنکینه، میرزا موسی بروجردی، دیوان میرزا احمد دهباشی و یادداشت‌های بسیاری دیگر از بزرگان کرمانشاهی استفاده نموده است، اطلاعات مفیدی از اوضاع شهر در دوران جنگ ارائه می‌دهند.

- کتاب «ایران و جنگ جهانی اول» (۱۹۹۸) ترجمه حسن افشار و ویراستاری تورج اتابکی از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این زمینه نگارش شده است. این کتاب حاصل تلاش گروهی از نویسندگان چون «الیور باست»، «مارتین ون برونسن»، «استفانی کرانین»، «هما کاتوزیان»، «منصوره اتحادیه»، «پژمان دیلمی» و «تورج اتابکی» است. کتاب حاضر، محصول همایشی است که در سال

۱۹۹۸م در «مرکز خاورمیانه کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد» برگزار شد. این کتاب به جز آشنایی با نویسندگان، سپاس‌نامه، پی‌نوشت‌ها و نمایه نه مقاله از نویسندگان نام برده را در خود دارد که زیر عنوان‌هایی چون «پان‌ترکیسم و ملی‌گرایی ایرانی» نوشته تورج اتابکی و «ملی‌گرایی ایرانی و ژاندارمی دولتی» از استفانی کرانین از این جمله‌اند.

- «پیش به سوی شرق» (۱۹۶۱) کتابی دو جلدی نوشته «اولریش گرگه» آلمانی است و پرویز صدری آن را ترجمه کرده است. نویسنده فعالیت آلمانی‌ها را در ایران مورد بحث و بررسی قرار داده است. هسته اصلی این کتاب متکی بر پرونده‌های منتشر وزارت خارجه آلمان است. مؤلف همچنین از منابع فارسی نیز بهره گرفته است. این کتاب برای چگونگی فعالیت آلمانی‌ها و اهداف و اندیشه‌های آنان از منابع ارزشمند تاریخی محسوب می‌شود. وی از ابراز حس ناسیونالیستی خود خودداری نکرده و در جای جای کتاب آن را نمایانده است. وی ایرانیان را فاقد حس ناسیونالیستی و آن‌ها را فقط در قبال پول متمایل به جنگ دانسته است، نه دفاع از وطن خود. در هر صورت نظر به منابع مورد استفاده مؤلف از ارزش تاریخی خوبی برخوردار است. یکی از جنبه‌های ارزشمند کتاب گرگه، گذشته از تشریح نحوه شکل‌گیری سیاست آلمان در ایران و مراحل اولیه نهضت جامعی است که از مراحل بعدی کار دوران مهاجرت در تبعید اختلاف نظرهای شدید مهاجری و یأس و سرخوردگی ناشی از آن ارائه می‌دهد. دوره‌ای که در منابع ایرانی بیشتر به سکوت برگزار شده است. تا پیش از انتشار کتاب پیش به سوی شرق در سال ۱۹۶۱م در مورد اهمیت نقش ایران و سیاست شرقی آلمان در این سال‌ها که موجد چنین دگرگونی مهمی شد، هیچ گونه بررسی مستقلی صورت نگرفته بود و آنچه در این میان مطرح بود بیش‌تر بازتاب این فعالیت‌ها در نوشته‌های دیگران بود یعنی اسناد و خاطرات و بررسی‌های طرف دیگر ماجرا و در این مورد خاص بیش‌تر آثار انگلیسی‌ها و یا محدود نوشته‌های برجای مانده از هم‌راهان ایرانی وقت.

۱- نیروی سوم به عنوان الگوی نظری بررسی موضوع

با نگاهی به تاریخ گذشته ایران، از دوره صفوی تا به امروز همواره با تلاش دولتمردان کشور برای جلب یک قدرت و نیروی سوم در روابط خارجی این کشور مواجه هستیم. تا جایی که این تفکر و نوع سیاست باعث شده است مقوله قدرت سوم در روابط خارجی ایران در دوران معاصر مطرح شود. البته این مفهوم به معنی واقعی در زمان قاجاریه نمود پیدا کرد و شاهان قاجار برای جلب دوستی دول اروپایی در این تلاش بسیار کردند، به ویژه در زمان ناصرالدین شاه قاجار که این سعی

در مورد بلژیک و آلمان به کار رفت و تا پایان این سلسله به نوعی پیگیری شد، به گونه ای که آلمان‌ها در ایران، به خصوص با وقوع جنگ جهانی اول و گسترش این جنگ به منطقه خاورمیانه، حضوری سیاسی - نظامی و تجاری داشت. (رنجبر و فرهادی، ۱۳۸۹: ۴۴)

۲- راهبرد دولت موقت ملی در جنگ جهانی اول

حکومت ایران در بیش از یک سده زیر فشار قدرت‌های حریصی همچون بریتانیا، روسیه و عثمانی قرار گرفته بود. ضعف داخلی و عقب‌ماندگی سیاسی - اقتصادی سبب شده بود تا تنها راه مقابله با آنها و برون رفت از این شرایط، امیدواری به یک قدرت خارجی که سابقه استعماری هم نداشته باشد. فشار فزاینده روسیه و انگلیس به ایران در سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۰ با پیدایش موج ناسیونالیسم در ایران همراه بود. در واقع آثار ویرانگر استعمار، خود انگیزه ای مستقل برای شعله کشیدن ناسیونالیسم در سراسر جهان شده بود. فرانسه در شمال آفریقا و اتریش در بالکان سرگرم مبارزه با ناسیونالیسم بودند. آمریکا نیز گرچه گاهی از ناسیونالیسم پشتیبانی معنوی می کرد، ولی انزوایی آن کشور در پهنه نظام بین الملل، از اثر گذارش در سطح جهانی می کاست. بدین سان، تنها کشوری که می توانست ایران را از زیر فشارها و تهدیدهای دو قدرت استعماری روسیه و انگلیس برهاند و کشور ما را در ایجاد امکانات رفاهی و صنعتی یاری دهد، دولت صنعتی و تازه به قدرت رسیده آلمان بود. از این رو دولتمردان ایرانی سخت تلاش می کردند از این قدرت نوپا در زمینه های سیاسی و صنعتی بهره گیرند. مردم ایران برای رهایی از ظلم وجود این دو دولت استعمارگر دل به قدرت سومی مانند آلمان بستند.

۳- مقابله دولت موقت ملی با دشمنان خارجی

مبارزه با تهدید قشون روس و انگلیس، دفع دشمنان خارجی، برقراری روابط دوجانبه میان ایران و متحدین و عقد قرارداد با آنها، برقراری نظم و امنیت و جلوگیری از هرج و مرج در نواحی مختلف کشور و نیز تأمین استقلال سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی ایران از جمله اهداف تشکیل حکومت و مجلس موقت ملی بودند (احرار، ۱۳۵۲: ۶۴۲-۶۴۰). پس از اینکه قوای روس، کرمانشاه را تصرف کردند، حکومت موقت ملی فرو پاشید و اعضای حکومت و مجلس موقت به قصر شیرین مهاجرت کردند و از آنجا به عثمانی پناهنده شدند (احرار، ۱۳۵۲: ۶۸۹-۶۸۸). پس از وقوع انقلاب روسیه و خروج نظامیان روس از مناطق غربی ایران، اعضای حکومت موقت به کرمانشاه بازگشتند و حکومت تشکیل دادند و حاکم برای نواحی غربی ایران منصوب کردند. پس از ورود نظامیان انگلیس به غرب

ایران، دوباره این حکومت فرو پاشید و اعضای حکومت به عثمانی پناهنده شدند (احرار، ۱۳۵۲: ۹۹۶-۱۰۰۰).

۴- مخالفت و درگیری با متفقین

نظام‌السلطنه مافی به عنوان رئیس کابینه دولت موقت ملی، از نظر نگرش سیاسی عضو حزب عدالت بود در دوران نیابت سلطنت ناصرالملک به فرمانروایی فارس برگزیده شد. اما بر اثر تحریکات انگلیسی‌ها و صمصام‌السلطنه عزل گردید. بعد از درمان بیماری در اروپا و همزمان با شروع جنگ جهانی، به ایران بازگشت و مستوفی‌المماک به لحاظ سوابق درخشان فعالیت او در میان ایلات غرب، وی را به حکومت لرستان منصوب نمود. با آغاز جنبش مهاجرت، نظام‌السلطنه در کانون توجهات کمیته دفاع ملی به عنوان نامزد رهبری مهاجرین قرار گرفت. نظام‌السلطنه مافی به پشتیبانی محمدرضا مساوات، رئیس کمیته دفاع ملی و کنت کانیتز نیز به نمایندگی از سوی آلمان‌ها مأمور تشکیل دولت موقت ملی در غرب کشور شد.

تجربه حکومت ملی نشان داد که انگیزه باطنی نظام‌السلطنه و مهاجرین میهن دوستی و نجات استقلال ایران از سلطه متفقین بود. در آن زمان که روس و انگلیس سرزمین و منابع ثروت ایران را گرفته بودند و با انعقاد قرارداد ۱۹۱۵م سعی در مستحکم کردن حلقه استعمار داشتند و در شرایطی که حکومت مرکزی احمد شاه در محاصره قوای روس بود و مجلس منحل و کابینه‌های وابسته به انگلیس و روس هر از چندی به دلیل فشار رقیب و ناامنی برکنار می‌شدند، برای هر وطن پرست و میهن دوستی در آن زمان تنها راه ممکن هواداری از متحدین برای رهایی از خفت و خواری سلطه روس و انگلیس بود. با ملاحظه جوانب مختلف سیاسی و مقتضیات پیشآمده، انگیزه درونی نظام‌السلطنه مهاجرین را باید استفاده از فرصت همکاری با آلمان و عثمانی برای پایان دادن به تجاوزهای دیرین انگلیس و روس در ایران دانست. قیام کنندگان با فداکاری، بذل مال و جان، ترک خانه و خانواده خویش رنج و سختی بسیار کشیدند تا شاید بندهای اسارت را پاره کنند. این رستاخیز که از عمق احساسات میهنی مردم مایه می‌گرفت ملت ایران را ملتی زنده و مبارز معرفی کرد (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۳۱).

۵- بررسی مقایسه‌ای راهبردهای دولت موقت ملی نسبت به متحدین و متفقین در جریان جنگ

جهانی اول

اهمیت روابط خارجی و نقش تعیین کننده‌گی سیاست خارجی در حفظ امنیت و بقای کشورها در

گرایش طرف‌های مقابل به صورت مساله مهمی در عرصه روابط بین‌الملل نمایان گردیده است. در طول سالیان دراز ایران با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و قرار گرفتن در همسایگی کشورهای مختلف مانند هندوستان و یا قرار گرفتن در مسیر آب راه‌های مهم باعث گردید تا به صحنه رقابت قدرت‌های استعماری مبدل شود. رقابت قدرت‌های استعماری در منطقه، ضعف کشورهای منطقه و در نتیجه یک قرن رقابت روس و انگلیس در ایران باعث تاثیر عمیقی در سیاست خارجی ایران شد. ایران در طول دوره‌های مختلف قاجار و پهلوی دغدغه نفوذ دو دولت روس انگلیس را همواره داشته است. دولتمردان و نخبگان سیاسی ایرانی برای کاهش فشار قدرت‌های رقیب استعماری و حل بحران‌های داخلی اعم از بحران‌های مالی و اقتصادی در پی برقراری رابطه با یک نیروی سوم بودند. همچنین عدم درک نخبگان سیاسی از سیاست در عرصه بین‌الملل باعث شد تا قبل از انقلاب اسلامی ایران همواره به فکر تکیه بر یک نیروی سوم باشد و به چشم یک سوپاپ اطمینانی برای مقابله با موارد نام برده به آن بنگرند.

۶. وضعیت درونی عشایر و موقعیت ایلات در آستانه وقوع جنگ جهانی

در ساختار جمعیتی ایران ماقبل مدرن، غلبه با بخش روستایی و عشایری بود و گرچه در این زمینه آمار دقیقی موجود نیست دسته‌های عشایری بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند. در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰م. تقریباً ۸۰ درصد جمعیت کشور روستائیان و چادر نشینان بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۶) ایلات و عشایر در صورت بندی اجتماعی کشور جایگاه مهمی داشتند و با سبک زندگی سستی خود در پی تأمین نیازهای اولیه حیاتشان بودند. بخش زیادی از این گروه‌های جمعیتی در نیمه ی غربی کشور مستقر بودند و به همین دلیل با هجوم و ورود دول درگیر در جنگ به جوم و ورود دول در کشور و حضور در محل زندگی، به ویژه در شرایطی که دولت مرکزی توانایی دفاع از آنها را نداشت این گروه‌ها سریع واکنش نشان دادند طی سالهای جنگ حکومت زمانی مالک شایانی دادند. طبیی مرکزی یکباره از میان رفته و زعمای محلی ملاکان و خوانین ایلات و عشایر توانستند استقلال واقعی خود را فاش کنند (لمبتون، ۱۳۶۶) در عصر قاجار، قدرت و توان حکومت مرکزی با وجود استثنائاتی از پایتخت فراتر نمیرفت و این روند در سالهای بعد از مشروطه شدت بیشتری گرفته بود نظام عشایری و ایلاتی (کوچنده و نیم کوچنده) همواره نظامی بسیار نیرومند، بوده سران عشایر در ارتش دولتی و سیستم زمینداری نفوذ آشکاری داشتند (فشاهی، ۱۳۶۰) در عصر پیشامدرن ایلات و عشایر در مناطق مختلف کشور قدرت زیادی داشتند و اساس روابط آنها با دولت

مرکزی مبتنی بر دادن مالیات (جنسی و نقدی) و سرباز بود که هر ساله مقدار معینی را تهیه می کردند ، این مالیات و هدایا بیشتر نوعی باج بود که آنها در قبال پرداخت آن حکومت مناطقی را می گرفتند و گرچه نشانه ی اطاعت اسمی آنان از حکومت مرکزی بود، عملاً در حیطه ی خود استقلال داشتند. این مسأله در دوران ضعف دولت مرکزی قوت بیشتری می یافت و در آستانه ی جنگ جهانی اول چنین وضعی در ایران برقرار بود.

بعد از مشروطیت نیز گرچه بسیاری از احزاب بر لزوم اسکان عشایر به عنوان نماد ملوک الطوایف عقب ماندگی و مانع شکل گیری کشور واحد و متمرکز تأکید داشتند، این برنامه چندان عملی نشده بود و دائماً قدرت سیاسی - نظامی آنان افزایش می یافت. به گفته صفایی: ایران قبل از کودتا (سوم اسفند ۱۲۹۹ش) صورت ملوک الطوایفی داشت و دولت مرکزی فاقد هرگونه اقتدار بود. در استانها و ولایات امنیت وجود نداشت و طرق و شوارع در معرض تجاوز دزدان و راهزنان بود و...» (۱۳۵۴: ۳۶۱).

بنابراین ایلات و عشایر مستقل از دولت بودند و رابطه ی حسنه ای بین آنان برقرار نبود و به محض ورود قوای درگیر در جنگ سریعاً واکنش نشان دادند؛ چه در همراهی و چه در مخالفت با آنان نیدر مایر (Nydmayr) که از افراد اعزامی آلمان به ایران و افغانستان بود، وقتی به کرمانشاهان رسید اشاره کرده عشایر در کار جنگ و گریزهای کوچک استاد بودند و پیروزی اولیه ترکان را به یأس بدل می کردند» (۱۳۶۳: ۶۳).

۷. اقدامات مهاجمان برای نفوذ در میان عشایر

دول مهاجم تا این زمان با ساختار سیاسی - اجتماعی ایران آشنایی داشتند و پراکندگی قدرت سیاسی و ضعف حکومت مرکزی از آنان پنهان نبود، بنابراین عملیات آنان طی جنگ جهانی اول در کشور، صرفاً به برخورد نظامی برضد یکدیگر محدود نمی شد و بخش عمده ای از این اقدامات تلاش برای نفوذ در بین مردم و گروه های جمعیتی کشور از جمله ایلات و عشایر بود که به نوعی یک سیاست جنگی نرم و غیر نظامی به شمار می رفت. در این شرایط دول متحد به خصوص آلمانها که عملیاتشان در جبهه ی غرب خوب پیش میرفت بهتر دیدند که نیروی متفقیین را در شرق مشغول کنند و به همراه عثمانی ها به جلب گروهی از عشایر ایران به خصوص در غرب کشور پرداختند و تا حدودی موفق شدند (بیات، ۱۳۶۹) مهاجمان در تلاشی جداگانه و گاه مشترک داشتند سعی به درون زندگی بومیان مرزنشین و به ویژه عشایر نفوذ کرده و آنان را با پول، هدایا و وعده های خود تحریک

نمایند که در این زمینه آلمان‌ها بیشترین فعالیت را انجام دادند و نقش زیادی در تمرکز و کشاندن جنگ به ایران داشتند. مأموران این دولت توجه زیادی به رخنه در بین عشایر به ویژه در کرمانشاه و اطراف می‌کردند (ساکما، شبازی ۱۲/۱/۱۲، ش سند ۶۰/۲۹۰/۴۰۵). عمال آلمان با نفوذ در بین عشایر قراردادهایی با آنها بستند؛ در منطقه‌ی ماهیدشت کرمانشاه مازور سن سون (San Sovn) با سران، کلهر سنجابی و قلخانی عهدنامه‌هایی بست و نفراتی از آنها را به استخدام درآورد (بیات، همان س ۶۴ ص ۸۶).

۸. واکنش عشایر به ورود متخاصمین

بعد از ورود مهاجمان به کشور بومیان و ساکنان سر راه آنان به ویژه در نواحی مرزی برای حفظ استقلال منافع و دفاع از کیان خود در برابر این حوادث مداخله کردند و در واقع در این شرایط تنها گروه منسجمی که برخوردها و استقامت‌های هر چند پراکنده‌ای در برابر مهاجمان، داشتند ایلات و عشایر (از جمله در نیمه‌ی غربی کشور) بودند که جدای از ارزیابی علل این شکل، رفتار مقاومت این گروه‌ها قابل تحسین است؛ گرچه در مقایسه با جنوب و قیام معروف تنگستانی‌ها ما شاهد چنین مقاومت عمده‌ای نیستیم واکنش آنان، البته یکسان نبود و بسته به دشمنی با همدیگر تحریک و تطمیع به وسیله‌ی مهاجمان و همچنین تلاش برای دستیابی به مزایای بهتر و بیشتر، فرق می‌کرد.

دسته جات عشایری و بومیان غرب چه در همراهی و چه در جانبداری از قوای مهاجم ایفای نقش کردند و عشایر و حکام مناطق مختلف غرب به نوبه خود، خواه ناخواه اعلامیه بی‌طرفی را که از سوی دولت صادر می‌شد، نادیده گرفتند؛ مثلاً در از سوی دولت صادر می‌شده، نادیده‌ای ساوجبلاغ یا مهاباد امروزی (ساکماش بازایی ۱، ۱۲/۱/۲۵۸۱، ش سند ۶۰/۲۹۰/۳۵۸) همین‌طور احتشام در اراک از روس و انگلیس حمایت کرد (همان، ش بازایی ۱۲/۱/۱۴۰۵، ش سند ۶۰/۲۹۰/۱۴۰۵) این اقدامات بهانه‌ی کافی به متخاصمین می‌داد که راحت‌تر حضور خود را توجیه کنند در قصر شیرین و کرند غرب نیز رؤسای ایل سنجابی، کلهر و صدیق با عمال خارجی ملاقاتهای زیادی داشتند (سپهر، همان: ۲۸۲)، که در این جلسات از لزوم اتحاد مهاجمان به ویژه متحدین با آنان صحبت میشد. با ورود روسها به، قزوین قیات نظام رئیس طایفه درویشوند با روسها همکاری کرد (ساکما، ش بازایی ۱۲/۱/۸۸۵، ش سند ۶۰/۲۹۰/۸۸۵). نکته مهم دیگر اختلاف درونی و عدم اتحاد بین عشایر بود. گرچه سعی کردند موقتاً متحد شوند. مثلاً در قصر شیرین طایفه باجلان و صفر سلطان با طایفه جاف و گوران متحد شدند، ولی با کلهرها میانه خوبی نداشتند (بیات، ۱۳۶۹، س

شماره ۵: ص ۳۰). این مسئله نیز مهاجمان را در تحقق اهدافشان در راستای همراهی عشایر یاری می داد.

باتوجه به روحیه ی عصبيت و اطاعتی که بین عشایر وجود داشت، حرف و تصمیم رئیس ایل برای آنها ملاک و مناسبات پدر سالاری بین آنها برقرار بود. بنابراین گرچه در مقام نظر زیر سلطه ی حکومت مرکزی قرار داشتند عملاً خود مختار بودند و رابطه ی بین ایلات با دولت مرکزی همیشه قوی و پیوسته نبود و در کنار عشایری که به دولت وفادار ماندند ایلاتی بودند که در مقابل دولت موضع گیری کردند (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۹۳). در چنین شرایطی بود که قوای متخاصم وارد کشور شدند و باتوجه به جایگاهی که عشایر در ساختار سیاسی - اقتصادی کشور ایفا میکردند به زودی به اهمیت آنها پی برده، برای حفظ منافع خود سعی کردند آنان را با خود همراه کنند.

۹- محدوده جغرافیایی و قلمرو ایل سنجایی

ایل سنجایی از ایلات متأخر و نوینان است که از اواسط عهد ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ.ق) و با انشعاب از ایل زنگنه به وجود آمد. حسن خان بختیار با پرداخت پیشکش به حکام قاجاری در سال ۱۲۹۳ هـ.ق این انشعاب را رقم زد و خود به عنوان نخستین ایلخان آن انتخاب شد درباره وجه تسمیه این ایل، ایل نظرهای متعددی ابراز شده است که اقناع کننده نیستند.

محل زندگی ایل سنجایی بخش وسیعی از اراضی غربی استان کرمانشاه را در بر گیرد که از شمال به شهرستان روانسر کنونی و بخش میان دربند کرمانشاه و از جنوب و جنوب شرقی به منطقه ایل کلهر (شهرستان اسلام آباد غرب) محدود است و از طرف شمال غربی و غرب نیز با اراضی ایلات، گوران ولدییگی و جاف جوانرود هم مرز است؛ بنابراین قلمرو ایل سنجایی از ماهیدشت تا قصر شیرین امتداد داشته و مناطقی از اورامانات را نیز در بر میگرفته است. این قلمرو در سمت غرب از قصرشیرین تا حدود خانقین، مندلی، قزل، رباط شهران و نفت شهر امتداد داشت در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۳۳۲ هـ.ق) به موجب قرارداد. تحدید حدود بین ایران و دولت عثمانی که با حکمیت دولت های انگلستان و روسیه انجام شد قسمت عمده مراتع ایل سنجایی ضمیمه خاک عثمانی شد و در حال حاضر جزء کشور عراق است، مکرری (۱۰)؛ بنابراین اکنون مرزهای غربی قلمرو ایل سنجایی به نوار مرزی ایران و عراق از بالادست رودخانه تنگاب تا حوالی نفت شهر محدود است.

اگرچه این ایل در اوایل تشکیل دارای دوازده طایفه، چالوی، اللهیارخانی، عباسوند، خرده دسته دولتمند و دستجه دارخور دالیان، رهبروند تکهوند، بیوه جشنیان، مجریلان و براز بوده است که گرچه

دارای منشأ واحد نیستند (سلطانی، ص ۸۳۸-۸۳۹)، مع الوصف به خاطر ماهیت زندگی ایلیاتی و لزوم اشتراک در مرتع برای چراگاه احشام و ضرورت ترتیب تقسیم و توزیع ادواری آن بین تیره‌های ایل، مسئله خدمت سربازی بر حسب بنیچه قدیم دفاع از موجودی تایل در برابر طوایف دیگر، همچنین تجانس زبان و مذهب اعضای این ایل پیوند خود را حفظ و موجودیت خود را به عنوان یک ایل واحد تضمین و تثبیت کردند.

۱۰- سنجابی‌ها و دفاع از کشور

در جنگ جهانی اول مدتی بعد از آغاز جنگ جهانی اول در اروپا در اوایل اوت ۱۹۱۴م شعبان ۱۳۳۲هـ، دامنه جنگ به آسیا و دیگر قاره‌ها نیز رسید به رغم آنکه دولت ایران بیطرفی خود را در این جنگ اعلام کرد نیروهای روسی و قوای عثمانی با بی‌اعتنایی به این موضوع، آذربایجان و کردستان را صحنه نبرد و رقابت خود ساختند کسروی (تاریخ هیجده ساله آذربایجان، صص ۵۸۸ و ۵۹۹-۶۰۴، ایوانف ص ۶۹) قوای عثمانی از سوی دیگر با کمک دولت آلمان با تهیه تدارکات لازم در بغداد و بصره، قصد داشتند به نیروهای انگلیسی در جنوب بین‌النهرین و خوزستان حمله کنند اعزام نیروهای انگلیسی برای مقابله با این حمله سپاهیان روس به صفحات غربی ایران برای کمک به قوای محاصره شده بریتانیا عملاً صفحات غربی و جنوب غربی ایران را صحنه زد و خورد نیروهای هر سه دولت متخاصم کرد (فرمانفرمایان ص، ۲۷-۲۸) در این میان به ویژه منطقه سکونت ایل سنجابی در مرکز تصادم این سه نیرو قرار گرفت.

ایل سنجابی که از چند دهه قبل مهمترین و شاید تنها مدافع منافع در برابر زیاده‌طلبی‌های عثمانی در غرب کشور بود و بارها در برابر تجاوز عثمانی ایستادگی کرده بود (مکری، صص ۵۵-۵۶؛ Burrell, v.5, p.۵۱۳)، در این زمان نیز با ملی‌گرایان همراه شد. همکاری تنگاتنگ ایل سنجابی با دولت موقت ملی و اتحاد اعضای این دولت با عثمانی و آلمان، عملاً سنجابی‌ها را به عنوان مهمترین مدافعان تمامیت ارضی کشور از طریق طرفداری از سیاست آلمان و عثمانی در منطقه غرب درآورد (دولت آبادی، ج ۳، صص ۳۳۶-۳۳۷ و ۳۴۲-۳۴۴) اما با پیشروی سپاهیان روس به سوی غرب و عقب‌راندن دولت موقت ملی و نیروهای عثمانی، ایل سنجابی تنها ماند سران ایل، ضمن پناه دادن به اعضای متواری دولت موقت ملی به مبارزات خود با سپاهیان روس ادامه دادند تا همه آن اعضا بتوانند با آرامش از کشور خارج شوند و از دسترس لشکر روس دور بمانند. بنابراین ایل سنجابی تا زمان خروج کامل اعضای دولت موقت ملی از ایران در برابر سپاه روس مقاومت و بعد از آن به

خاطر کمبود فشنگ تجهیزات جنگی با روسها گفت و گو کردند (دولت آبادی، ج ۴، ص ۱۰). سپاهیان روس نیز که در پی جلب اتحاد ایلات بودند (مردوخ، ص ۵۷۱) با سران ایل سنجایی وارد مذاکره شدند.

سران ایل سنجایی برای تأمین جان مهاجران و همچنین محافظت از منافع ایران در ربیع الثانی ۱۳۳۴ هـ ق / فوریه ۱۹۱۶م میهمانی بزرگی به هزینه خود ترتیب دادند که به مذاکرات صلح «بندار معروف است ایل سنجایی در این جلسه و در حضور بیش از هفت هزار نفر از سران و بزرگان، شهری، ایلی رؤسای دوایر، دولتی، نظامیان روسی و نمایندگان دولت های انگلیس و روس، با کنار گذاشتن نشان های آلمانی شرایط صلح نامه ای ده ماده ای را مطرح ساخت که به تصریح، مردوخ حفظ استقلال ایران را ضمانت میکرد (سنجایی، ص ۴۳۱، مردوخ، ص ۵۶۲) البته چنان که از فحوای کلام مورخان بر می آید این مذاکرات بی نتیجه ماند و سپاهیان روس برای حمایت از نیروهای انگلیسی پیشروی به سوی غرب را ادامه دادند و ضمن تصرف قصرشیرین و سپس شهرهای خانقین و رواندوز در ماه مه ۱۹۱۶م رجب ۱۳۳۴ هـ ق برای حمله به قوای آماده شدند (ایوانف، ص ۷۳؛ مردوخ، ص ۵۶۵).

عثمانی اندکی قبل از این نیروهای انگلیسی در پیشروی خود به سوی بغداد ناکام ماندند ۲۶ آوریل ۱۹۱۶ در کوت العماره به سختی از نیروهای ترک شکست خوردند (اردلان، ص ۸۷؛ سمیعی، صص ۳۰-۳۱) در این زمان ترک ها به جای تعقیب و راندن نیروهای انگلیسی از جنوب بین النهرین تمام توان خود را برای بیرون راندن روسها از خانقین و غرب ایران به کار بستند (فرمانفرمایان، صص ۱۹۴-۱۹۵) سپاه روس به علت گرمای طاقت فرسای بین النهرین و همچنین شیوع بیماری و با از قوای عثمانی شکست خورد و به سوی کرمانشاه عقب نشینی کرد که در مسیر بازگشت مورد حمله قوای عثمانی و عشایر منطقه به ویژه ایل سنجایی قرار گرفت و متحمل تلفات سنگینی شد. علی احسان پاشا با کمک این ایلات و عشایر به ویژه سنجایی شهرهای قصرشیرین، سرپل ذهاب کردند و کرمانشاه را آزاد کرد و در مدتی اندک خود را به همدان رساند (هوشنگ مهدوی، صص ۳۴۹-۳۵۰). بعد از تصرف همدان و نواحی مجاور در ذی الحجه ۱۳۳۴ هـ ق / اکتبر ۱۹۱۶م، نیروهای روسی را تا آن سوی گردنه أوج عقب راند در همین زمان، ایلات کردستان نیز روسها را از آن منطقه راندند (ذی الحجه ۱۳۳۴ هـ ق / اکتبر ۱۹۱۶م) و تا حدود بیجار را تصرف کردند (مردوخ، ص ۵۶۸).

در این میان لشکر انگلیس با تجدید قوا علاوه بر تصرف مجدد کوت العماره (۲۴ فوریه ۱۹۱۷م) به سوی بغداد پیش رفت و در مارس ۱۹۱۷م جمادی الاولی ۱۳۳۵ هـ ق آنجا را تصرف کرد (کسروی،

تاریخ هیجده ساله آذربایجان صص ۶۶۶-۶۶۷). سقوط بغداد مهم‌ترین مرکز تجمع قوا و تدارکات سپاه را در بین‌النهرین از عثمانی‌ها گرفت و به قطع ارتباط آلمانی‌ها با جاسوسان و عواملشان در ایران و افغانستان منجر شد و همچنین نگرانی انگلیسی‌ها را درباره هندوستان مرتفع کرد (فرمانفرمایان، ص ۲۴۷). پس از این، قوای عثمانی شهرهای غربی ایران را یکی یکی رها کردند و از خاک ایران بیرون رفتند (کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان ص ۶۷۷). چنان‌که در همین زمان یعنی اواسط مارس ۱۹۱۷ اواسط جمادی الاولی، ۱۳۳۵ هـ ق کردستان دوباره به دست روسها افتاد (مردوخ، صص ۵۶۹-۵۷۰). همزمان با عقب‌نشینی عثمانی، ماجرای فرار مهاجران و اعضای دولت ملی پیش آمد که به چند دسته تقسیم و عده‌ای به همراه نظام‌السلطنه به عثمانی و استانبول عازم شدند. دولت عثمانی به علت ترس از وجود و نفوذ جاسوسان در میان مهاجران تنها به تعداد اندکی از آنان به صورت گزینشی روایت و ورود به عثمانی را داد و بقیه مهاجران اعم از کارگزاران دولت موقت مجاهدان، داوطلب قوای ژاندارمری، برخی نمایندگان مجلس و سایر حامیان آنها به سرعت پراکنده شدند و در میان ایلات کلهر و سنجابی پناه گرفتند تا در فرصت مقتضی به وطن خویش بازگردند (دیوان بیگی، صص ۸۰-۸۱). سران سنجابی با آغوش باز این مهاجران را پذیرفتند (طاهرزاده، ص ۵۰۰). کسروی جوانمردی ایل سنجابی را در همراهی با دولت موقت ملی و همچنین پذیرایی از مهاجران ستایش میکند و تعداد آنانی را که به سنجابی‌ها پناه بردند دویست تن می‌شمارد (تاریخ هیجده ساله آذربایجان ص ۶۶۷). سردار، مقتدر خود نیز این ماجرا را تأیید و تشریح میکند و معتقد است که فقط آن دسته از مهاجران که نه دلخوشی از نظام‌السلطنه و عثمانیان و نه جرئت مراجعت به داخل ایران را داشتند به ایل سنجابی پناه آوردند و تعداد آنها را حدود پانصد نفر میدانند (سنجابی، صص ۳۹۷-۳۹۹). حسن اعظام قدسی که خود از مهاجران مهمان ایل سنجابی بود، میزبانی آنها را می‌ستاید و عده مهاجران را متجاوز از چهارصد نفر میداند که سران ایل، یعنی سه برادر با نام سردار ناصر، سردار مقتدر و سالار، ظفر پسران شیرخان آنها را به سه دسته تقسیم و هر کدام یک دسته را نگهداری و پذیرایی کردند اعظام (قدسی، ص ۴۰۱).

در این زمان با ورود روس‌ها به کردستان در جمادی الاولی ۱۳۳۵ هـ ق/ فوریه ۱۹۱۶ م، مناطق غربی ایران به دست روس‌ها افتاد (مردوخ، صص ۵۷۰-۵۷۴). از آن سو، انگلیسی‌ها بعد از غلبه بر بغداد دیگر نواحی شمالی و شرقی عراق را اشغال کردند و با تصرف مناطق همجوار با مرز، ایران در حدود قصرشیرین کم‌کم به منطقه ایل سنجابی نزدیک شدند (فرمانفرمایان ص ۲۵۲). بنابراین خطر جانی

مهاجران را تهدید میکرد ولی سران ایل سنجابی با جدیت برای محافظت از میهمانان خود اقدام کردند، (کسروی، تاریخ هیجده ساله، آذربایجان ص ۶۶۷؛ مردوخ، ص ۵۶۲) اما در همین زمان آغاز انقلاب در روسیه و استعفای نیکلای دوم، تزار روسیه تداوم پیشروی سپاه روس و همچنین تحکم نظامی آنها را بر نواحی غربی ایران تحت الشعاع قرارداد (سپهر، صص ۴۴۳-۴۷۸) چنان که از این زمان به بعد نیروهای روسی از ایران عقب نشستند و مناطق تحت اشغال را رها ساختند.

۱۱- جایگاه ایل سنجابی در سیاستگذاری بریتانیا در ایران

با عقب نشینی نیروهای روسی از اکتبر ۱۹۱۷م / محرم ۱۳۳۶ هـ ق حفاظت از همه نواحی غرب ایران در مقابل نفوذ نیروهای عثمانی و آلمان به دست نیروهای انگلیسی افتاد. با توجه به نیروی نظامی ایلات منطقه و همکاری آنها با عثمانیها و آلمانها از یکسو و همچنین تعداد اندک نیروهای انگلیسی برای کنترل منطقه از سوی دیگر، جذب همکاری و همراهی این ایلات برای محافظت درست و دقیق از منافع بریتانیا در منطقه ضرورت داشت، بنابراین از این زمان به بعد سیاست بریتانیا در غرب ایران تغییر کرد و به تشکیل پلیس غرب متمایل شد (Olson, p.۴۴)

حوادث مختلف منطقه غربی در طی جنگ جهانی اول و به ویژه همراهی صمیمانه همه جانبه ایل سنجابی با ملیگرایان دولت موقت ملی در مبارزه با روس ها (اردلان، ص ۸۳، ۹۲ و ۹۹) و همچنین مقاومت در برابر روس ها (کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ص ۶۶۷) و تلاش برای انعقاد صلح بندار با روسیه جایگاه بلند و مستحکم ایل سنجابی به رغم تازه تأسیس بودن را در غرب ایران نشان داد، اگرچه رقابتی ایلیاتی سنجابی ها، سعی داشتند نقش سنجابی ها و ماجرای صلح بندار را کم اهمیت جلوه دهند؛ چنان که مردوخ آن را مذاکرات عوامانه می خواند (مردوخ، ص ۵۶۲) و در جای دیگر، میزبان این جلسه را روسیه معرفی میکند (همان، ص ۵۶۴) و امجدی ولدییگی آن را بی اهمیت می انگارد (صص ۱۲۸، ۱۰۷) با این حال هم روحیه ایثار و میهن پرستی سران سنجابی که برای حفظ استقلال ایران به آلمانی ها پشت کردند و نشانهای آنها را دور ریختند (مردوخ، ص ۵۶۲) و هم میزبانی در میهمانی باشکوهی که برای سران ایلات گرفته شد، توانمندی و اهمیت فوق العاده سنجابی ها را در میان ایلات دیگر نشان داد و بیش از هر چیز توجه انگلیسی ها را به خود جلب کرد.

علاوه بر همه اینها یک عامل اساسی بیش از هر چیز دیگر توجه انگلیسی ها را به ایل سنجابی جلب میکرد و آن هم حضور مهاجران و اعضای کمیته دفاع ملی در میان این ایل بود که اکثر آنها از نخبگان

فرهنگی جامعه ایران و به نحوی متمایل به همکاری با آلمانیها بودند (ذوقی ص ۱۴؛ شمیم، ص ۵۶۸)؛ بنابراین تحکیم سلطه انگلیسی‌ها بر غرب ایران و مهار تحرکات سیاسی دولت‌های محور در آن منطقه بیش از هر چیز منوط به مهار قدرت سنجایی‌ها بود. آنها برای تحقق این قضیه چند راهکار را در قبال سنجایی‌ها اتخاذ کردند.

علاوه بر همه این‌ها، یک عامل اساسی بیش از هر چیز دیگر توجه انگلیسیها را به ایل سنجایی جلب میکرد و

آن‌هم حضور مهاجران و اعضای کمیته دفاع ملی در میان این ایل بود که اکثر آنها از نخبگان فرهنگی جامعه

ایران و به نحوی متمایل به همکاری با آلمانیها بودند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۴) بنابراین، تحکیم سلطه انگلیسیها بر

غرب ایران و مهار تحرکات سیاسی دولتهای محور در آن منطقه، بیش از هر چیز منوط به مهار قدرت سنجایی‌ها بود. آنها برای تحقق این قضیه چند راهکار را در قبال سنجایی‌ها اتخاذ کردند:

۱۲- تلاش برای جلب دوستی سنجاییها و اتحاد برای تشکیل پلیس غرب

نخستین راهکار بریتانیا در مقابل سنجاییها سیاست همکاری و درخواست اتحاد برای تشکیل پلیس غرب بود با وقوع انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در روسیه نیروهای روسی اگرچه قوع انقلاب رید حضور داشتند و به رغم بیانیه‌هایی سیاسی که حکومت بورژوازی موقت روسیه در حمایت از انگلیس و تداوم سیاستهای روسیه تزاری صادر میکرد (ایوانف، صص ۷۸-۷۹)، عملاً حضور نیروهای روسی در ایران بی اثر شده بود؛ زیرا آنها در بدترین شرایط روحی و پشتیبانی بودند و اکثر قوای موجود از فرماندهانشان اطاعت نمیکردند و می‌خواستند هر چه زودتر به روسیه برگردند. در همین زمان عثمانی‌ها برای بازپس‌گیری بغداد از انگلیسی‌ها از سران سنجایی کمک خواستند اما سران ایل سنجایی با درک اوضاع منطقه و شرایط ایران به آنها پاسخ رد دادند (سنجایی، ص ۴۴۲).

بنابراین انگلستان در این مقطع حساس تصمیم گرفت در منطقه غرب که محل نفوذ و ورود نیروهای عثمانی و آلمانی به ایران بود و همچنین به دلیل اهمیت جاده تجارتي قصر شیرین کرمانشاه همدان که برای اجرای طرح‌های آتی در ایران و قفقاز به منظور مقابله با کمونیسم به آن نیاز داشت، تشکیلات مشابهی با عنوان پلیس غرب « به وجود آورد. (Olson, p.۴۴) با توجه به کثرت این ایلات و عشایر و هم‌توان رزمی، آنها ایجاد هر نوع تشکیلات نظامی بدون جلب موافقت این ایلات

میسر نبود، بنابراین گامهای بعدی برای تشکیل پلیس غرب بایستی با جلب موافقت این ایلات برداشته میشد با توجه به جایگاهی که در آن زمان ایل سنجابی در میان ایلات غرب پیدا کرده بود بدیهی بود که بدون حضور آن، ایل پلیس غرب مفهومی نداشت.

نخستین اقدام دولت انگلستان برای جلب حمایت ایل سنجابی، برقراری رابطه دوستانه بود آنها از طریق دوری» رئیس بانک شاهنشاهی کرمانشاه که در مجمع صلح بندار شرکت کرده بود و به ادعای رقبای سنجابی ها (امجدی ولدییگی ص ۱۰۶) دارای سابقه دوستی با سردار مقتدر بود پیام خود را به او اعلام کردند و از او خواستند که رابطه اش را با آلمانی ها قطع کند و با دولت انگلیس متحد شود. انگلیسی ها همچنین قول دادند در صورت اجرای این خواسته و مشارکت ایل سنجابی در تشکیلات پلیس غرب زمینه را برای افزایش اقتدار سران ایل فراهم سازند (سنجابی، صص ۴۲۹-۴۳۰)، اما سردار مقتدر سنجابی با تکذیب روابط خود با آلمان به نماینده انگلیسی توصیه کرد که از هدر دادن امکانات و پول خود برای جلب ایلات خودداری ورزند او همچنین گوشزد کرد که این عدم همکاری را دشمنی تلقی نکنند (همان، ص ۴۳۰) نماینده انگلیس نیز در پاسخ تأکید کرد که بزرگان سپاه انگلیس در غرب ایران به اقدامات و رفتارهای سران ایل سنجابی بدگمان هستند و در ضمن با لحنی بین تهدید و نصیحت، از آنها خواست که به هر ترتیب شده رفع سوءظن از خود بکنند (همان، ص ۴۳۱). چند روز بعد، کلنل کنیون انگلیسی همین پیشنهاد را مطرح کرد و همان جواب را شنید (همان، صص، ۴۳۳)

۱۳. تحریک ایلات مجاور بر ضد سنجابی ها

ناکامی انگلیسی ها در جلب موافقت سران سنجابی برای تشکیل پلیس غرب، به تغییر سیاست انگلیس در قبال این ایل منجر شد؛ بنابراین، به منظور آنکه این ایل و دیگر ایلات پایگاه نفوذ عثمانی و آلمان نشوند، برای ایجاد تفرقه و تشتت در میان ایلات غرب اقدام کرد تا از مقابله با انگلیس و یاری به رقبای آن باز بمانند. به همین منظور، برای ایجاد دسته بندی های جدید در بین ایلات غرب کشور و ایجاد اختلاف و دوگانگی بین آنها و به

نحوی تنبیه و تضعیف سنجابی ها، سلیمان خان امیراعظم، رئیس بخشی از ایل کلهر را تقویت کرد. سنجابی ها نیز که از نقشه انگلیس آگاهی یافتند، به مقابله به مثل پرداختند و با برقراری رابطه دوستانه با عباس-

خان امیرمعلم، برادرزاده سلیمان خان، سعی کردند تا اتحاد همه کله‌رها را علیه خود برهم بزنند و دستکم تا

مدتی، از اقدامات آنان علیه سنجابی‌ها جلوگیری کنند. طبیعی‌ترین نتیجه چنین روندی، تشدید کینه و کدورت

بین ایلات سنجابی با ایلات مجاور، به ویژه کله‌رها بود.

۱۴. تلاش برای قطع ارتباط سنجابی‌ها با عناصر ملی

انگلیس‌یها با علم به اینکه اختلاف ایلات مجاور با ایل سنجابی در کوتاه مدت نمی‌تواند سنجابی‌ها را از

مخالفت با نفوذ انگلیس در غرب ایران بازدارد، به راهکار دیگری متوسل شدند؛ به همین منظور تلاش کردند ارتباط ایل سنجابی را با عناصر ملی قطع کنند. در این مرحله، انگلیسی‌ها برای بازخوانی فرماندهان روسیه تزاری تلاش کردند و همچنین با ایلات لر و در رأس آنها، با والی پشتکوه که در منطقه تحت حاکمیتش نفت پیدا شده بود، قرارداد همکاری و اتحاد منعقد کردند و سپاهی را از قریب به چهارصد سوار انگلیسی با چند صاحب «راه پشتکوه به کرمانشاه فرستادند. به گفته سردار مقتدر، وقتی منصب از راه پشتکوه به کرمانشاه رسیدند، کلنل کنیون، قونسول انگلیسی، جمعی از قوای روسی را نیز با خود «همراه و متحد ساخته بود؛ از آن جمله ژنرال باراتف و بالکونیک پیچراخوف در واقع جیره خوار آنها شده بودند (سنجابی، ۱۳۸۰: ۴۴۴)

با رسیدن سپاه انگلیسی به کرمانشاه و غلبه بر این شهر و با جذب فرماندهان روسی، چون ژنرال باراتف و پیچراخوف که به مخالفت با انقلاب کمونیستی برخاسته بودند، موضع نیروهای انگلیسی در غرب ایران تقویت شد و به آنها فرصت داد تا ایل سنجابی را از دو سو در محاصره بگیرند.

در ادامه انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند تا ارتباط سران ایل سنجابی را با این اعضا قطع کنند؛ بنابراین، نخست با در اختیار گرفتن تشکیلات پست و تلگراف منطقه غرب، از مبادله تلگراف بین سران ایل سنجابی و عناصر ملی در تهران جلوگیری کردند (سنجابی، ۱۳۸۰: ۴۴۴) البته ایل سنجابی، بعد از این قضیه هم تسلیم نشد؛ بنابراین، کارگزاران انگلیسی که این نوع موضعگیری را نتیجه حضور عناصر مهاجر، همچون سلیمانمیرزا، در میان سنجابی‌ها می‌دانستند، برای اخراج آنها دست به کار شدند، به ویژه که سلیمان میرزا در انتخابات مجلس چهارم در ۱۳۳۶ ه.ق، به عنوان نماینده انتخاب شده بود و حضور او در مجلس می‌توانست از منافع میزبانان وی، یعنی سنجابی‌ها حفاظت کند؛ بنابراین،

انگلیسی ها از سران سنجایی خواستند تا مهاجران و در صدر همه، سلیمان میرزا را که به علت همدلیاش با آلمانها، هم با نظامالسلطنه و هم با عثمانیها درافتاده (بهار، ۱۳۵۷) و ناچار از موصل به میان سنجاییها بازگشته بود، به انگلستان تحویل دهند، اما در سنت و رسوم ایلپاتی تحویل پناهنده، ناپسند به حساب می آمد؛ بنابراین مذاکرات با سنجاییها برای اخراج یا تحویل سلیمان میرزا بی نتیجه ماند و انگلیسی ها برای رسیدن به هدف خود، یعنی قطع ارتباط سنجایی ها با عناصر ملی و همچنین لطمه زدن به حیثیت ایلپاتی سنجاییها، مجبور شدند در عملیاتی غافلگیرانه در محرم ۱۳۳۶ ه.ق سلیمان میرزا را دستگیر و به هندوستان تبعید کنند (سنجایی، ۱۳۸۰: ۴۵۴ - ۴۵۵) ایل سنجایی که در جریان دستگیری سلیمانمیرزا غافلگیر شده بودند و این اقدام را توهین به خود تلقی میکردند، درصدد مقابله برآمدند که با توجه به پراکندگی ایل در محلات گرمسیری امکان آن فراهم نشد.

نتیجه گیری

انگیزه ایلات از دفاع در مقابل قوای متخاصم به ایران طی جنگ جهانی اول علاوه بر منافع خود، حکم جهاد و به نوعی احساس مسئولیت در دفاع از مرزهای کشور و تلاش برای حفظ استقلال بود که همین مسأله برخورد های چندی بین آنان به وجود آورد. گرچه در مقایسه با مردم جنوب کشور از جمله مناطق دشتی و دشتستان و نهضت کسانی چون رئیسعلی دلواری در غرب کشور مقاومت فراگیری شکل نگرفت، عشایر این نواحی یکسره منفعل و بی طرف هم نبودند و برخوردهایی با مهاجمان داشتند. با بررسی اقدامات و عملیات قوای متخاصم در غرب کشور می توان به اوضاع نا آرام و استقلال و اختلاف درونی حکام و خوانین آنجا بی برد که چگونه به وسیله ی آنها بسیج و تحریک می شدند. در این شرایط زندگی بر مردم بیگناهی که از دست راهزنان و اعتشاش گران محلی و حکام سودجو در امان نبودند سخت شده بود. ایشان پیش روی خود چند گزینه داشتند این که همچنان طبق ادعای دولت بی طرف بمانند یا با مهاجمان همراهی کنند یا این که با آنها مقابله نمایند. تعرض قوای عثمانی به غرب ایران و مقابله نیروهای روسی و انگلیسی با آنها، در ۱۹۱۴م ۱۳۳۲ه.ق، ضمن نقض بیطرفی، ایران صفحات غربی ایران را به صحنه مبارزه و رقابت هر سه قدرت مبدل ساخت از آن، پس تلاش هر سه قدرت برای جلب همراهی ایلات عشایر منطقه با خود سران این ایلات و عشایر را به عرصه سیاست وارد ساخت ایل سنجایی نیز با توجه به قدرت نظامی قابل توجه و بیش از هر چیز احساسات ملی گرایانه قوی و اقداماتی که برای حمایت از دولت موقت ملی و مهاجران انجام داد، بیش از دیگر ایلات مورد توجه قرار گرفت سران این ایل که در

نتیجه احساسات وطن‌دوستانه و برای رهایی کشور از سلطه روس و انگلیس با دولت موقت ملی همراه شدند و از طریق آنها با آلمانی‌ها و عثمانی‌ها متحد، بودند پس از غلبه روس‌ها و انگلیسی‌ها بر آن مناطق همچنان با سلطه آن در دو مخالفت کردند.

با وقوع انقلاب در روسیه در اواسط، جنگ، سیاست بریتانیا در ایران تغییر کرد. آن کشور برای مقابله با تجدید نفوذ آلمان و عثمانی از طریق تمرکز نیروهای خود در منطقه غرب و اتحاد با ایلات و عشایر، منطقه سعی کرد پلیس غرب را تشکیل دهد. از آنجا که سنجابی‌ها با این برنامه مخالفت ورزیدند، انگلیسی‌ها با اتخاذ چهار شیوه^{۵۰} مذاکره ایجاد اختلاف بین ایلات مجاور با سنجابی‌ها قطع ارتباط بین اعضای کمیته ملی و سران ایل سنجابی و سرانجام حمله نظامی تلاش کردند که مخالفت سنجابی‌ها را در این زمینه از بین ببرند سنجابی‌ها ضمن تقید به اصول ایلی، خود، برای دفاع از منافع ملی و حیثیت، ایرانی در قبال این اقدامات مقاومت کردند و در واقعه معروف دشت حرّ با نیروهای انگلیسی در آویختند که فقدان دولت مقتدر مرکزی و عدم حمایت رسمی از ایل سنجابی به شکست و پراکندگی سران این ایل منجر شد که در نتیجه آن سران سنجابی مدتی را به تبعید رفتند و سالها بعد در اوایل سلطنت رضاشاه به ایل خود بازگشتند.

۱. اتابکی، تورج (۱۳۸۹)، ایران و جنگ جهانی اول، ترجمه حسن افشار، تهران: ماهی.
۲. اتحادیه، منصوره (نظام مافی) (۱۳۷۱)، احزاب سیاسی مجلس سوم، تهران: تاریخ ایران.
۳. احتشام السلطنه، محمود (۱۳۶۶)، خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
۴. احرار، احمد (۱۳۵۲)، طوفان در ایران، مجموعه دو جلدی، تهران: زرین.
۵. اخوان، صفا (۱۳۸۰). ایران و جنگ جهانی اول (مجموعه مقالات سمینار)، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
۶. ارباب، معصومه (۱۳۸۳)، روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول (۱۹۱۸- ۱۹۱۴م / ۱۳۲۶ - ۱۳۳۲ ه ق)، تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۷. اردلان، امان الله (۱۳۷۲)، خاطرات حاج عز الممالک اردلان، زندگی در دوران شش پادشاه، تهران: نارمک.
۸. _____ (۱۳۷۲)، زندگی در دوران شش پادشاه (خاطرات حاج عرالممالک اردلان)، تهران: نامک.
۹. ارفع، حسن (۱۳۸۲)، کردها یک بررسی تاریخی و سیاسی، به کوشش محمد رئوف مرادی، مهاباد: سیدیان.
۱۰. ارکدی، نیکی (۱۳۸۱)، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان (۱۳۰۴- ۱۱۷۵)، ترجمه مهدی حقیقت خواه، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
۱۱. اسکرین، سر کلارمونت (۱۳۶۳)، خاطرات سر کلارمونت اسکرین (جنگ جهانی در ایران)، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: سلسله.
۱۲. اعظام قدسی، حسن (۱۳۴۲)، خاطرات من (روشن شدن خاطرات صدساله)، تهران: چاپخانه‌ی حیدری.
۱۳. افشار، محمود (۱۳۵۸)، سیاست اروپا در ایران، اورواقی چند از تاریخ سیاسی و دیپلماسی، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس

- سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
۱۵. امان، دیتر (۱۳۶۷)، بختیارها عشایر کوچ نشین ایرانی در پویه تاریخ، ترجمه سید محسن محسنیان، مشهد: آستان قدس رضوی.
 ۱۶. امجد، محمدقلی (۱۳۸۷)، قحطی بزرگ (۱۲۹۸ - ۱۲۹۶ ش)، ترجمه محمد کریمی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
 ۱۷. امیر احمدی، احمد (۱۳۷۲)، خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگر نژاد، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی.
 ۱۸. اوریاتوف، الساندر و دیگران (۱۳۵۹)، تاریخ عصر جدید، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: شباهنگ، چاپ اول.
 ۱۹. ایوانف، م.س. (بی تا)، انقلاب مشروطیت ایران، مترجم ناشناس، تهران: بی نا.
 ۲۰. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
 ۲۱. آذری، رضا (۱۳۷۸)، در تکاپوی تاج و تخت، تهران: سازمان اسناد ملی.
 ۲۲. آرکدی، نیکی (۱۳۸۱)، ایران در دوران قاجار و بر آمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
 ۲۳. آراین پور، یحیی (۱۳۵۰)، از صبا تا نیما (۱۵۰ سال ادب فارسی)، جلد دوم، تهران: جیبی.
 ۲۴. آوری، پیتتر (۱۳۷۷)، تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، جلد اول، ترجمه محمد رفیع مهرآبادی، چاپ چهارم، تهران: عطائی.
 ۲۵. باست، الیور (۱۳۷۷)، آلمانی‌ها در ایران، ترجمه حسین بنی احمد، تهران: شیرازه.
 ۲۶. بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، شرح رجال ایران، تهران: زوار.
 ۲۷. بخشی، علی آقا (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: بهرنگ.
 ۲۸. بدلیسی، شرف خان بن شمس الدین (۱۳۷۷)، تاریخ مفصل کردستان (شرفنامه)، به اهتمام ولادیمیر ولیا مینوف زرنوف، تهران: اساطیر.
 ۲۹. بردافورد، مارتین جی (۱۳۶۸)، تاریخ روابط ایران و آلمان، ترجمه پیمان آزاد و علی امید، تهران: موسسه پیک و ترجمه و نشر.
 ۳۰. بشیری، احمد (۱۳۶۳)، کتاب آبی (گزارش محرمانه وزارت خارجه انگلیس در باره انقلاب

- مشروطه)، تهران: نو.
۳۱. بلوشر، بیرت (۱۳۶۳)، سفرنامه (گردش روزگار در ایران)، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
۳۲. بئاتریس هنیگ، روت (۱۳۷۶)، ریشه‌های جنگ جهانی اول، جلد اول، ترجمه فریبرز فرشیم، تهران: امیرکبیر.
۳۳. بهار (ملک الشعرا)، محمد تقی (۱۳۵۷)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، انقراض قاجاریه، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری موسسه انتشارات امیر کبیر.
۳۴. بهبودی، سلیمان (۱۳۷۲)، خاطرات سلیمان بهبودی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران: طرح نو
۳۵. بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۸)، سلسله‌ی والیان لرستان، تهران: حروفیه.
۳۶. _____ (۱۳۵۵)، سفرنامه خوزستان، ضمیمه روزنامه اطلاعات ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان.
۳۷. بیات، کاوه (۱۳۷۱)، عملیات لرستان، تهران: شیرازه.
۳۸. _____ (۱۳۸۱)، ایران و جنگ جهانی اول، اسناد وزارت داخله، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
۳۹. بیگلری، هرمز (۱۳۷۴)، تاریخ کرمانشاهان در عصر قاجار، کرمانشاه: طاقبستان.
۴۰. پیرا، فاطمه (۱۳۷۹)، روابط ایران با آلمان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۱. پورآرین، فواد (۱۳۸۵)، انقلاب فراموش شده (دولت‌های عصر مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ش)، تهران: چاپار.
۴۲. ترینسکویو (۱۳۵۸)، نقش قبیله‌های اسکان یافته کوچنشین ایران در دوران نوین، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: بیگوند.
۴۳. تمدن، محمد (۱۳۵۰)، اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضایه، تهران: تمدن.
۴۴. تیمورزاده، مصطفی (۱۳۸۰)، وحشت در سفر نگاهی به تحولات کردستان در فاصله جنگ جهانی اول تا اعاده‌ی اقتدار دولت مرکزی ۱۳۰۲/۱۳۹۳ (۱۳۳۳ - ۱۳۴۲ ق)، به کوشش شهباز محسنی، تهران: شیرازه.
۴۵. جیاوسون، ویلیام (۱۳۸۰)، روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول، ترجمه حسن

- زنگنه، تهران: شیرازه.
۴۶. خسروی، محمد رضا (۱۳۳۸)، طغیان نایبیان، در جریان انقلاب مشروطیت ایران، به اهتمام علی دهباشی، تهران: به نگار.
۴۷. خور موجی، محمد جعفر (۱۳۴۴)، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش: حسین خدیوهم، تهران: کتابفروشی زوار.
۴۸. درخشانی، سرتیپ علی اکبر درخشانی (۱۳۳۸)، تاریخ معاصر ایران به روایت تاریخ سازان، متن کامل خاطرات سرتیپ علی اکبر درخشانی از افسران پایه گذار ارتش جدید ایران و فرمانده لشکر آذربایجان، بکوشش حبیب لاجوردی، طرح تاریخ شفاهی ایران، مرکز مطالعات خاورمیانه هاروارد، تهران: صفحه سفید.
۴۹. دنسترویل (۱۳۵۷)، یادداشت‌های ژنرال مازور - دنسترویل یا امپریالیسم انگلیس در ایران و قفقاز، مترجم: حسین انصاری، بی‌جا، کتابخانه منوچهری.
۵۰. دو مرگان، ژاک (۱۳۳۹)، جغرافیای غرب ایران، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز: دانشگاه تبریز.